

ریک است خیلی خوب است که حاضر شود و برای معامله او ضرری ندارد و همچنین در فقره چهارم میگوید که اقوام اصحاب معامله اینهم صحیح نیست بجهت آنکه فرض کنید که شخص کوریا کر یکی از اقوامش که طرف اعتماد او است میفرستد در ثبت اسناد قومی و خویشی مانع از وکالت نیست مثلاً به پسر عمویش یا برادرش میگوید در مقام ثبت اسناد که کسی را ندارم تو برو سند مرا ثبت کن ضرر ندارد پس وکالت اقوام ضرر ندارد بجهت اینکه غالباً او طرف اعتماد آن شخص است خامساً هم که میگوید که اشخاصی که بواسطه ارتکاب جنایات محکوم شده اند اینرا هم بنده رد میکند بجهت اینکه این ماده میگوید اشخاصی که در یک جنایتی واقع بشوند چه ضرر دارد یک شخصی است یک معامله را کرده است و میخواهد در دفتر ثبت اسناد ثبت کند کسی را ندارد فقط اعتماد من بیک کسی است که دو سال پیش از این سر کسی را شکسته است که او برود و در حضور او این سند را ثبت کنند پس این قیودی که اینجا میگوید موافق ۶۵ صحیح نیست الا در اصلش که کوری و کوری و کنگی باشد و الا در مابقی ابداً صحیح نیست عرض بنده همین بود در این ماده .

آقا شیخ ابراهیم - این شخص وکیل برای این حاضر شده است که اشارات این کر و لال را او میفهمد عادت کرده است که با کر و لال حرف بزند میگوید که این معامله را من کرده ام پنج تومان راضی هستی میگوید بله یا خیر این را او میفهمد و شرایط دیگر مضر نیست باید شرایط دیگر را داشته باشد والا میگوید فروخته ام برای خودش چطور فوراً میتوان قبول کرد بجهت اینکه کرها و لاله زبانشان را همان اقوامشان میفهمند .

رئیس - پس رأی میگیریم بماده ۷۹ آقایانی که موافق هستند قیام نمایند .
(اغلب قیام نمودند) .

رئیس - با اکثریت ۵۲ رأی تصویب شد چون شب عید است گویا مجلس موافق باشد که امروز جلسه را زودتر ختم کنیم . [از اغلب اظهار موافقت شد] تعطیل هم تا روز شنبه گویا کافی باشد یعنی برای جلسه ۲۶ حاضر خواهیم بود دستور جلسه سه شنبه و پنج شنبه ۲۸ را عرض کردم حال دستور شنبه فرم را عرض میکنم - قانون اساسی معارف قانون ثبت اسناد - قانون منع احتکار هم جزو دستور است اگر وزیر داخله سه شنبه ۲۶ حاضر شدند که آنروز جزو دستور خواهد بود و الا پنجشنبه ۲۸ فردا هم موافق معمول باید حضور اقدس آقای نایب السلطنه شرفیاب شویم دو ساعت بفرود مانده آقایان بدربار تشریف خواهند آورد که آنجا با هم خدمت والا حضرت شرفیاب شویم (اظهار شد تمام نمایندگان باید شرفیاب شوند) .

رئیس - بله تمام .
(مجلس نیم ساعت قبل از غروب آفتاب ختم شد)

جلسه ۲۲۷

صورت مشروح روز سه شنبه ۲۶

ربیع الاول ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب آفتاب بر ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس روز شنبه ۱۶ را آقای معاضد الملک قرائت نمود .

غائبین روز شنبه ۱۶ آقایان سردار احمد - حاج وکیل الرعایا - آقا سید محمد باقر ادیب - بدون اجازه - آقایان حاج سید نصرالله - آقا شیخ رضا - آقا میرزا اسدالله خان - میرزا علی اکبرخان دهخدا - حاج آقا .

با اجازه غائب - آقایان دکتر امیرخان - آقا سید محمد رضا - حاج مصدق الممالک - کاشف - آقا محمد بروجردی - نیر السلطان - آقا میرزا ابراهیم قومی بموقع مقرر حاضر نشدند - آقا شیخ مهدی نجم آبادی مریض بودند .

رئیس - آقای ادیب در صورت مجلس ملاحظه داشتند .

ادیب - بنده در جزء مرضی هستم و حال اینکه در جزء غائبین بدون اجازه نوشته اند (دیگر در باب صورت مجلس اظهاری نشده) .

رئیس - عرض میکنم این قبیل اظهارات باید بداره مباشرت بشود دیگر مخالفی هست (اظهاری نشده رئیس صورت مجلس را امضاء نمود) .

رئیس - دیروز پنجاه سال بود ملت ایتالیا بعد از قرنهای تفرقه و پریشانی باهتمامات و جدیت وطن پرستان عبور موفق شدید بتحصیل آزادی و استقلال و ممالکی که قرنهای میان آنها تفرقه و پریشانی اتفاق افتاده بود متحد شدند یک مملکت واحدی را تشکیل دادند .

مملکت ایران و مملکت ایتالیا دو مملکت قدیم و قویم هستند که یکی در شرق و دیگری در غرب مهد تمدن بوده اند - در ازمنه سابقه مابین ملت ایتالیا و ملت ایران روابط تجارنی موجود بوده و تقریباً پنجاه سال میشود که عهدنامه مودت و دوستی و وداد مابین این دو مملکت برقرار شده روابط حسنه مابین این دو مملکت از پنجاه سال باینطرف کاملاً بوده است چون بنده میدانم در قلوب نمایندگان محترم هر چه که راجع باستقلال و آزادی است یک نوع حسیات مخصوصی در ایشان تولید می کند بخصوص که مملکت قدیم ایتالیا که با مملکت ایران روابط حسنه داشته است و امروز در جشن و سرور هستند قطع دارم که آقایان محترم باینده همراهی خواهند نمود که در همچو موقعی از طرف مجلس شورای ملی تلگراف تهنیت و تبریک بپارلمان ایتالیا که در واقع نماینده ملت ایتالیا است بشود .

[عموماً گفتند صحیح است]

رئیس - تلگرافات تبریکی از طرف آقایان و از طرف انجمنها رسیده است اسامیشان خوانده میشود و بعد از طرف مجلس جواب داده می شود اظهار امتنان میشود .

(آقای میرزا ابراهیم خان اسامی تلگرافات واصله را بترتیب ذیل قرائت نمود) .

صورت اسامی اشخاص و انجمنهایی که تلگراف تبریک عید نوروز بمجلس مخابره کرده اند ایالت آذربایجان - از تبریز - انجمن ایالتی آذربایجان انجمن بلندیه آذربایجان - آقای ممتاز الملک از تبریز اجلال الملک - سردار صادق از ارومیه ایالت خراسان از مشهد - حاج فاتح الملک از شیراز انجمن ناصری زرتشتیان - از یزد - میرزا اسحق خان کارگذار از رشت - انجمن وفاق قاهره مصر - کمیته سعادت اسلامبول - تومانیانس و برادران از باکو - ارفع الدوله از ماکو سردار همایون ژنرال قونسول از قلیس انجمن زرتشتیان طهران از باب جمشید تهران انجمن زرتشتیان کرمان .

رئیس - دستخط ثانوی والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه که در جلسه گذشته یکی از آنها خوانده شد دیگری ماند برای جلسه امروز خوانده می شود .

دکتر اسمعیل خان - از طرف انجمن کیلان هم تلگراف تبریک مخابره شده بود [دستخط زبور به بارت ذیل خوانده شد] .

سکته انتظامات مملکت و موانع حصول آمال ملت روقت از نقطه نظر دولت ملاحظه شود ثابت و آشکار خواهد شد که یک قسمت عمده آن راجع بعدم حسن اداره بی ترتیبی تشکیلات و فقدان اعضای صالح است برای اینکه نکات و دقائق آن پوشیده نماند مطلب را در کمال توضیح تشریح میکنیم ادارات مرکزی در پایتخت و شعب کثیره آن در اطراف و اکناف عضوهای دائمی قوه مجریه و بلا فرق بمنزله مقرر و امضاء عامله آن در بدن مملکت هستند .

رئیس - قوه مجریه با اکثریت هر حزب سیاسی که از مجلس منتخب و مکلف با اجرای دستور العملهای مملکتی و قوانین موضوعه میشود ارادات خود را عملاً باید بدست ادارات مرکزی و شعب اجرا نموده روابط افراد ملت را بایسکدیکر و مناسبات آنها را با پشت دولت حفظ نماید بمباراة اخیری قانون اراده و روح ادارات بمشابه جسم است و هیچیک از بهترین و آزادترین قانونها بدون اداره مرتب جسم جریان پیدا نمیکند و بدون وجود نظم ادارات مرکزی و شعب آن در اطراف که دستگاه اجرای قوانین و اراده قوه مجریه هستند هیچ قانون و هیچ امری بوقع اجرا نمیرسد اگر هم رسیده موافق مقصود اصلی واضح قانون یا آمر با اجرا نخواهد رسید - در اینصورت مسلم است که تشکیل و تنظیم ادارات اصل شرط نظام مملکت است و بدون آن هیچ مقصودی از مقاصد دولت بانجام نمیرسد جای کمال اسف و تعجب است که بعد از استقرار مشروطیت بطوریکه باید عطف توجه باین مسئله اساسی نشده اوقات اولیای امور همگی مستغرق اختلاف احزاب بوده است بنظر دقت که نگاه کنیم اختلاف احزاب علی الظاهر مبنی بر اختلاف مسالك آنهاست ولی قرائتی را که در امرنامه احزاب مشاهده کنیم خواهیم دید همه مبنی بر قواعد نظری و فلسفی است که هر قدر هم خوب باشند فقط مفاد اصول علمی کتب فلسفه سیاسی یا اجتماعی هستند و جزو آرزو محسوب میشوند و حال آنکه در حکومت مملکت عملیات فوری

لازم است و مباحثات علمی و نظری فایده سیاسی عاجل نمی بخشد - بسی مباحث نظری باآمال قطعاً بیفایده نخواهد بود ولی برای همین هم که بالاخره مسائل نظری استفاده شود انتظام مملکت که عملیات فوری لازم دارد اقدام و الزم است پس برای تمام احزاب لازم است قبل از اختلاف در نظریات خود اول اصول اداره و تنظیمات آن که بلا حصر و بصلحت مشترک است متفق شوند تا موقع اختلاف در اجرای نظریات هر یک برسد والا با مقدمات فوق مسلم است که بی وجود اداره و نظم آن مرام هیچیک از احزاب بمقام عمل نخواهد رسید در صورتیکه اداره مالی به مرتب نباشد و بواسطه بی نظمی مالیات وصول شد معلوم نباشد عایدات مملکت در کجا فرق میشود در مالیات مستقیم و غیر مستقیم مباحثه کردن تا جائی که کار بآدم کشی برسد تصور کردنی نیست در صورتی که احکام دولت کاملاً در اطراف مجری نیست منازعه در سر اینکه عموم افراد اید داخل در خدمت نظامی شوند یا سرباز از روی بنبیچ گرفته شود حقیقتاً امر غریبی است در صورتی که هزاران رنجبران در اطراف مملکت لنگد کوب اشرار قطاع الطریق هستند و رنج و مشقت سالیانه آنها که چند سالی گاو گوسفند است بغارت میرود نزاع در سر اینکه ساعات رنج و مشقت باید در روز محدود و اجرت آن افزوده شود شایان توجه است البته بیچ جای شبهه نیست بر هر کس که حسن انسابت دارد غمخواری رنجبران کدر هر دورۀ مظلومترین طبقات بوده اند لازم و واجب و معلوم است که آن طبقه جزو اعظم ملت هستند گمان میکنند بیشتر زحمات هواخواهان عدالت و مشروطیت هم بالا صاله نظر بظلمهای وارده بر آن طبقه بوده است طبقات دیگر اگر مظلوم واقع میشوند مظلوم بالنسبه بوده اند و شاید بواسطه ظلم بزیر دست تلافی خسارت خود را میکردند ولی طبقه رنجبران مظلوم مطلق بوده اند پس از اول دلسوزی و غمخواری اینست که بواسطه ترتیب ادارات و انتظام مملکت عموم را از زیر فشار اشرار بیرون آورد و افلا مایمک حاضر آنها را تأمین نمود تا بتوان بفرک بهبودی حال آنها افتاده هر فکر یکم میشود بمقام اجرا آورد - بیانی دیگر نتایج وخیمه سوء اداره و سوء استعمال قواعد صحیح را میتوان مدلل داشت و از روی تجربه هر کسی میتواند مشاهده کند که قاعد، تفکیک قوا و استقلال مملکت صحیح و در همه جا معمول است ولی بشرطها و شروطها اما در اینجا که خواستیم ابتعاقد را معمول بداریم و حکام را بکلی بی اختیار کردیم مأمورین عدلیه و نظمی و مالیه و غیره فرستادیم ولی ربط آنها بیکدیگر ملاحظه نشد هر یک خود را قوه مستقلی فرض کرده در اغلب جاها بیکدیگر در کشمکش افتادند و نتیجه چه شد معلوم است - مأمور عدلیه با قاضی که حکم او نظر بردار نیست و حتمی الاجرا است باید دید در جاهای دیگر متصف چه صفات و در تحت چه نظارت سختی است هم چنین مأمور مالیه در تحت چه نظارت و تفتیشات است و چه وسایلی برای رفع بی اعتدالیهای آنها قرار داده اند تصور فرمائید اگر امروز مالیه سیستان بی اعتدالی کند چاره رعیت رنجبر چیست قرضاً اگر عقلش برسد سواد داشته قادر بر ادای وجه مغایر شده جز یک تلگرافی که با اولیاء امور بکند و جوابی بدهند و یک وجه مغایره جواب هم آتی بر ذمه اش وارد شود چه چاره دیگر دارد آن دستگاهی که در عمل مورد اطمینان باشد

و حق را از باطل تمیز داده بداد رعیت بیچاره برسد کدام است اطلاعات تحقیقی کدر بی اعتدالی مأمورین در ادارات جمع شده کجا است علت این همه شکایات چیست با این تفصیلات آیا جای شبهه باقی است که در هر شکلی از اشکال استبداد گرفته تا جمهوریت مطلق مملکت حکومت مقتدره و اداره منظم میخواهد آیا محل تأمل است که مأمورین دولت با تمام افراد ملت سروکار و در تمام زندگانی آنها مداخله دارند و سعادت مملکت و آسایش افراد بالا انحصار مستلزم قدرت حکومت که حسن اداره است با مسامت اینست که مقصد اصلی تمام قوانین و اساس مشروطیت آسایش افراد و سعادت هیئت مجریه است آیا قابل تردید است که از آن مقصد اصلی غفلت کردن و شغول منازعه در نظریات بودن سعی بی حاصل بلکه مشارکت در تخریب مملکت است هیچ شک نیست که نظریات صحیح سیاسی در مقام خود خالی از اهمیت نیست و همیشه در عالم نظریات بالاخره سر مشق عملیات شده اند ولی باید دانست که صرف مشغول نظریات شدن کار علما و وظیفه فلاسفه است اشخاص سیاسی که متصدی بانظرا امور مملکت میشوند باید هم خود را مشغول عملیات نمایند عملیات هم باید بمقتضای حال هر مملکت و موافق عادات و اخلاق و احتیاجات آنها باشد در مملکت مشروطه نمیتوان مردم را به اجبار تابع نظریات داشت مگر شخصی صاحب نظر خود را پیغمبر مبعوث یا سلطان مقتدر اعلان کند بالمثل تصور کنید رئیس مذهب بود البته نظراً مذهب خود را بهترین مذاهب می داند ولی اگر قهراً خدا نکرده بخواند عقیده خود را بر جماعتی از مسلمین بفرولاند حال آن مسلمین چه خواهد بود در میان معدودی از ملل متمدنه نسوان حجاب را خوش ندارند حال اگر فرضاً کسی بخواند در مملکت مثل ایران قهراً اعلان ترک حجاب کند چه حالی ظاهر خواهد شد اجمالاً در مملکت مشروطه اجبار به هیچ شکلی از اشکال نباید باشد صاحبان نظریات در ممالک خارجه عقاید خود را میگویند هر وقت اکثر افراد ملت را با خود هم عقیده نمودند قهراً عقاید اکثریت در مجلس شورای ملی ظهور نموده موافق مقتضیات و عادات مملکت بصورت قانون درآمد بمقام اجرا میرسد عملی ای حال مقصود این بود که توقف در نظریات و غفلت از سعادت هیئت مجریه بی حاصل و آسایش افراد بسته بوجود حکومت مقتدره و انتظام ادارات است و چنانکه در همه جا مرسوم است یکی از شرایط واجبه حسن اداره اینست که باید اعضاء ادارات از پارتی های سیاسی خارج و بیطرف باشند زیرا عقاید ملی و بعد از آن مخصوص هیئت وزراء که با اکثریت یک حزبی انتخاب میشوند وارد هیئت وزراء بدون هیچ مداخله و مصادمه حتماً باید اجرا شود فقط سر وقت عقاید اکثریت مجلس تغییر حاصل کرد قوه مجریه موافق آنست که تجدید و باز ادارات بدست همین ادارات بیطرف جاری گردد بعبارت آخری اعضاء ادارات باید آلت کار باشند علت آن در هر دستی وسیله اجرای اوامر باشند تا قوه مجریه با اکثریت هر فرقه انتخاب میشود بتواند افکار خود را بطوسط

آنها بموقع اجرا بگذارد و هر امری از مرکز صادر میشود بلا تأخیر و بلا تحریف تمام شعب رسیده بطوری که منظور دولت است در انقضی بلاد اجرا برسد و الا به تغییر هر کابینه باید تمام ادارات نیز تغییر کرده برای اجرای هر عقیده طرفداران همان عقیده داخل خدمت کردند تا ادارات قوه مجریه معطل و معوق نماند و این امر معقول نیست اهمیت این نکته که اظهار شد در تمام ادارات خصوصاً ملت سروکار و در تمام زندگانی آنها مداخله دارند و سعادت مملکت و آسایش افراد بالا انحصار مستلزم قدرت حکومت که حسن اداره است با مسامت اینست که مقصد اصلی تمام قوانین و اساس مشروطیت آسایش افراد و سعادت هیئت مجریه است آیا قابل تردید است که از آن مقصد اصلی غفلت کردن و شغول منازعه در نظریات بودن سعی بی حاصل بلکه مشارکت در تخریب مملکت است هیچ شک نیست که نظریات صحیح سیاسی در مقام خود خالی از اهمیت نیست و همیشه در عالم نظریات بالاخره سر مشق عملیات شده اند ولی باید دانست که صرف مشغول نظریات شدن کار علما و وظیفه فلاسفه است اشخاص سیاسی که متصدی بانظرا امور مملکت میشوند باید هم خود را مشغول عملیات نمایند عملیات هم باید بمقتضای حال هر مملکت و موافق عادات و اخلاق و احتیاجات آنها باشد در مملکت مشروطه نمیتوان مردم را به اجبار تابع نظریات داشت مگر شخصی صاحب نظر خود را پیغمبر مبعوث یا سلطان مقتدر اعلان کند بالمثل تصور کنید رئیس مذهب بود البته نظراً مذهب خود را بهترین مذاهب می داند ولی اگر قهراً خدا نکرده بخواند عقیده خود را بر جماعتی از مسلمین بفرولاند حال آن مسلمین چه خواهد بود در میان معدودی از ملل متمدنه نسوان حجاب را خوش ندارند حال اگر فرضاً کسی بخواند در مملکت مثل ایران قهراً اعلان ترک حجاب کند چه حالی ظاهر خواهد شد اجمالاً در مملکت مشروطه اجبار به هیچ شکلی از اشکال نباید باشد صاحبان نظریات در ممالک خارجه عقاید خود را میگویند هر وقت اکثر افراد ملت را با خود هم عقیده نمودند قهراً عقاید اکثریت در مجلس شورای ملی ظهور نموده موافق مقتضیات و عادات مملکت بصورت قانون درآمد بمقام اجرا میرسد عملی ای حال مقصود این بود که توقف در نظریات و غفلت از سعادت هیئت مجریه بی حاصل و آسایش افراد بسته بوجود حکومت مقتدره و انتظام ادارات است و چنانکه در همه جا مرسوم است یکی از شرایط واجبه حسن اداره اینست که باید اعضاء ادارات از پارتی های سیاسی خارج و بیطرف باشند زیرا عقاید ملی و بعد از آن مخصوص هیئت وزراء که با اکثریت یک حزبی انتخاب میشوند وارد هیئت وزراء بدون هیچ مداخله و مصادمه حتماً باید اجرا شود فقط سر وقت عقاید اکثریت مجلس تغییر حاصل کرد قوه مجریه موافق آنست که تجدید و باز ادارات بدست همین ادارات بیطرف جاری گردد بعبارت آخری اعضاء ادارات باید آلت کار باشند علت آن در هر دستی وسیله اجرای اوامر باشند تا قوه مجریه با اکثریت هر فرقه انتخاب میشود بتواند افکار خود را بطوسط

حاج شیخ اسدالله - بنده فرمایش آتارا نشنیدم ولی میخواستم عرض کنم که در صورتیکه بیسواد باشد هم لازم است یک تسکلی برای آنها معین شود.
وزیر عدلیه - ماده بعد توضیح میکند لازم نیست.
حاج سید ابراهیم - مقصود بنده اینست که عرض هم تر وهم کفک با کر یا کفک نوشته شود چون مقصود این نیست که هر دو صفت را دارا باشد.
وزیر عدلیه - مقصود هر دو است هم کرو- هم کفک صحیح است.
رئیس - رای می گیریم بماده ۸۱ کمیسیون آقایانی که موافق هستند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).
رئیس - با اکثریت ۶۱ رای تصویب شد.
ماده ۸۲ - در مواردیکه اشخاص مذکور در ماده قبل سواد نداشته باشند باید بملاوه شخصیکه باشماره یا آنها حرف می زند نیز شخصی را دعوت کرد که این اشارات را می فهمد این شخص باید جامع شرایط مطلعین بجز شرایط فقره چهارم که مانع از پذیرفتن او نیست.
رئیس - مخالفی که نیست - رای می گیریم بماده ۸۲ رابورت کمیسیون ترتیبی که خوانده شد آقایانی که موافق هستند قیام فرمایند [اغلب قیام نمودند].
رئیس - با اکثریت ۵۷ رای تصویب شد.
ماده ۸۳ - بعد از اجرای ترتیبات فوق الذکر ذیل ثبت را در خود دفتر ثبت اصحاب معامله و مطلعین و مباشر ثبت امضا میکنند.
رئیس - مخالفی نمی بینم - رای می گیریم آقایانی که بماده ۸۳ رابورت کمیسیون موافق هستند قیام نمایند اغلب قیام نمودند.
رئیس - با اکثریت ۵۶ رای تصویب شد.
ماده ۸۴ - هر گاه طرف یا طرفین معامله بواسطه بی سواد یا جهالت دیگری نتوانند امضا نمایند شخص دیگری بمأموریت شخص بی سواد باید امضاء نماید ولی در این موارد مطلعین این نکته را قید و امضاء نمایند.
آقا شیخ ابراهیم - اینجا یک جزئی اصلاحی می خواهد چون تنها راجع به بی سواد نیست بهتر اینست که اینطور نوشته شود که شخص دیگری بامر ایشان امضاء نموده.
رئیس - همین را که می فرمائید بنویسید - (اصلاح مزبور را نوشته و آقا میرزا ابراهیم خان بعبارت ذیل قرائت نمودند) شخص دیگری بامر ایشان امضاء نموده مطلعین نیز جهه را قید و امضاء می نمایند.
حاج وکیل الرعایا - بنده گمان می کنم بوکالت ایشان نوشته شود بهتر است.
آقا شیخ ابراهیم - امر بهتر است بامر ایشان امضا می کنند.
رئیس - رای می گیریم بماده ۸۴ رابورت

کمیسیون بر ترتیبی که اصلاح شد آقایانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).
ماده ۸۵ - هر گاه طرف معامله بواسطه مرض سخت یا موانع مشروع دیگری نتواند در مباشرت ثبت حاضر بشود مباشر ثبت می تواند در خارج از ساعاتیکه برای کار مباشرت معین شده در منزل آن شخص حاضر شده باز عیای تمام ترتیبات مقرر و وظایف خود را انجام بدهد.
لسان الحکماء - بنده با مقتضیات مملکت این ماده را پسندیده نمی دانم اگر چه دیده ام در بعضی از ممالک همین طور است و در این خصوص بملاحظه اینست که بعضی از مواد خوانده شده است پیشنهادی نمی کنم همین قدر اشاره کردم که اگر سایر آقایان هم همراه باشند در موقع رای رأی دهند که خیلی مضر است.
افتخار الواعظین - بنده پیشنهاد را یعنی رفتن مباشر ثبت در خانه و ثبت کردن را هیچ صحیح نمیدانم برای اینکه اسباب بی اعتباری استاد مردم خواهد شد باید در همه جا بهمان ترتیبیکه معین شده است طرفین یا خود طرف حاضر بشود و ثبت بکنند.
آقا شیخ ابراهیم - اینماده لازم است بجهت آنکه آن شرایط سابق فراموش نشده است انجام این ترتیب با حضور مطلعین و شهود خواهد بود علاوه بر این طرف دیگر هم حاضر خواهد بود والا برای اینکه آن شخص مریض است نمیتواند بیاید چه بکنند او را با همان حالت و ادارانه بیاورند با اینکه آن سند بماندن بکنند اگر اینطور نکنند این شخص میرد این وصیت نامه است مطلعین و طرف دیگر حضور دارند با حضور آنها مباشرت ثبت آن وصیت نامه را ثبت میکند هیچ تنها هم نمیکارند مباشرت ثبت برود در خانه و ثبت بکنند.
حاج وکیل الرعایا - بنده کافی میدانم و کالت را بجهت اینکه ایجاد و کالت از برای همین قسم زحمتها است و اگر چنان مریض است که هیچ چیزی از او پذیرفته نیست مباشرت ثبت هم برای چه تشریف میبرد آنجا اگر یک همچو مریضی باشد که تکلیف از او برداشته شده است چه مباشرت ثبت برود چه نزدیکی است والا یک نفر وکیل معین میکنند و همانقدر بر او که مخبر در نظر دارد حاصل خواهد شد و اینکه ما میگوئیم یک نفر وکیل تعیین میکنند بهتر است از اینکه مباشرت ثبت را دوره کرد بکنیم.
حاج سید ابراهیم - بنده فقط جواب آقای مخبر را میخواستم عرض کنم که اینطور نیست که میفرمایند بجهت آنکه صحبت وصیت نامه در مملکت ما منحصر باین نیست که ثبت شود بلکه بهمان ترتیبی که تا بحال معمول بوده است عمل میشود که اطلاع چند نفر نوشته میشود و بهر آنها می رسد و هیچ لازم باین نخواهد بود که مباشرت ثبت بآنجا برود.
رئیس - آقایان مذاکرات را کفایت نمیدانند (گفتند مذاکرات کافی است).
رئیس - رای می گیریم بماده ۸۵ رابورت کمیسیون آقایانیکه موافق هستند با اینماده قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).
رئیس - با اکثریت ۴۸ رای تصویب شد.
ماده ۸۶ - لایحه وزیر - برای اینکه تاریخ ثبت بیشتر ثابت و مستحکم بشود مباشرت ثبت هنگام بسته شدن اداره تمام دفاتر را می بندد.

ماده ۸۱ - لایحه وزیر - مقصود از بستن دفاتر اینست که مباشرت ثبت در ذیل آخرین ثبت تاریخ روز و ماه و سال را گذاشته امضاء مینماید کمیسیون که ماده مزبور را در یک ماده بعبارت ذیل پیشنهاد کرده بود.
ماده ۸۶ - برای اینکه تاریخ ثبت بیشتر ثابت و مصون از تغییر باشد مباشرت ثبت هم در روز منکاسته شدن مباشرت تمام دفاتر را میبندد مقصود از بستن دفاتر آنستکه مباشرت ثبت در ذیل آخرین ثبت تاریخ روز و ماه و سال را گذاشته امضای نمایندگان مختلف از مقام اینماده مستوجب مجازاتی میباشد که در ماده ۱۳ مقررات است.
حاج شیخ اسدالله - هنگام بسته شدن مباشرت مراد معلوم نیست که مقصود دفتر باشد.
رئیس - مقصود اداره مباشرت است.
وزیر عدلیه - صحیح است مباشرت صحیح است.
رئیس - رای می گیریم بماده ۸۶ رابورت کمیسیون آقایانیکه موافق هستند با این ماده قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).
رئیس - با اکثریت ۶۱ رای تصویب شده.
ماده ۸۷ - الحاقی رابورت کمیسیون - هر گاه ثابت شود که بواسطه تقصیر مباشرت ثبت سندی از اعتبار افتاده است مشارالیه علاوه بر مجازات مقرره مکلف است بتأدیه کاپیه خسارتیکه با صاحب معامله وارد آمده و مدلل شده است.
حاج سید ابراهیم - بنده گمان میکنم که اینماده را چون ترجمه کرده اند اینطور نوشته اند والا چطور می شود تصور کرد که بگویند بواسطه تقصیر مباشرت ثبت یک سندی از اعتبار بیفتد برای اینکه در مملکت ما اینطور نیست که اعتبار اسناد منحصر به ثبت باشد و هرگز نمی شود گفت که بواسطه تأخیر در ثبت یا تقصیر مباشرت ثبت سند از اعتبار میافتد برای اینکه بهمان ترتیبی که تا بحال در این مملکت معمول بوده است ممکن است سند را بنویسند و البته معتبر هم خواهد بود پس خوب است آقای مخبر در این خصوص توضیح بفرمایند که آن تقصیری که باعث از اعتبار افتادن سند می شود که از مباشرت صادر میشود کدام است.
آقا شیخ ابراهیم - اصل این اداره ثبت را برای این قرار داده اند که بواسطه ثبت شدن اسناد اعتبار پیدا بکنند مردم اینجا اقدام کرده پول داده برای اینکه سندش ثبت شده و معتبر باشد مباشرت کارن یا تقصیری کرده هم از اعتبار افتاد تمام شده.
رفت - دیگر هیچ مجازاتی نباید داشته باشد هیچ فرقی نباید بگذاریم بین آنهاست که تقصیر می کنند و آنهاست که تقصیر نمیکنند پس این برای چه می برد و برای چه ثبت می کند برای چه پول می دهد البته برای اینست که سند او معتبر باشد و البته اگر مباشرت رعایت ترتیبات در ثبت کردن تقصیر کرده باید مجازات داشته باشد بلکه بنده یک قید دیگر را لازم می دانم که نوشته است در این صورت مباشرت ثبت ملزم است بتأدیه کاپیه خسارتیکه از اینکار و تقصیر او بر صاحب سند و معامله وارد میآید.

رئیس - عرض می‌کنم که بعد از این اگر از طرف خودتان يك اصلاحی رایشتنهاده می‌کنید باید قابل توجه بشود و اگر از طرف کمیسیون پیشنهاد می‌کنند که باید معلوم بشود

آقا شیخ ابراهیم - جزئی اصلاحی است ضررند اردو از طرف کمیسیون باشد

آقا سید حسن مدرس - چون این مسئله نسبتش خوب واضح نیست که اسباب ضامن شود اقتضا می‌کنم که بر گردد بکمیسیون تا اینکه در آنجا مذاکره بشود و سپس درست واضح بشود

وزیر عدلیه - از ایرادیکه آقای حاج سید ابراهیم فرمودند بنده چنان تصور می‌کنم که درست التفات فرموده اند بنامه باینجهه بنده دو مرتبه این ماده را تکرار می‌کنم می‌گویند که هر گاه ثابت شد که بواسطه تقصیر مباشر ثبت سند است از اعتبار افتاده است نه خودسند این راجع است بآن ترتیب قانون که ما داریم که البته اگر آن بجا آمده است قبول داریم والا قبول نداریم اینجا مقصود ثبت سند است مقصود اینست که يك سند را يك کسی آورد باده ثبت اسناد پولش را هم دادشودش راهم آورد و بتکالیف خودش عمل کرد و چند روز هم دوندگی کرد تا اینکه آن سند را بثبت رسانید بعد يك دعوائی اتفاق افتاد و طرف آن سندی را که بثبت رسانیده بود در آورد همان وقت آنطرف ادعا کرد که این ثبت صحیح نیست بجهه اینکه فلان ترتیب قانونی که در مورد ثبت سند باید مراعات بشود مراعات نشده است و رجوع کردند بثبت و دیدند فی الواقع همین طور است مثل این که باید ارائه وکالت نامه را بخواهد باطرفین را حاضر بکنند یا این که هویت را باید معین بکنند نکرده است و بدون رعایت این نکات ثبت کرده است و اینجهه این ثبت از اعتبار افتاده است البته در این صورت این شخص حق دارد که بر گردد بگوید چند روز مرا دواندی حالا که ملتفت شدم معلوم می‌شود که این سند بطور صحیح ثبت نشده است و پول خودش را که داده است با خسارتی را که کشیده است از آن مباشر ثبت بگیرم مقصود در این اینست که خسارت او داده شود و اما در باب اعتبار ثبت اسناد که این باسنادچه اعتباری میدهد آن در ماده ۸۸ مواد بعد از آن می‌آید که تصریح می‌کنند و در این ماده مقصود اعتبار ثبت سند است و بنده این را در اینجا بهیچوجه مخالف هیچ ترتیبی نمی‌دانم

آقا سید حسن مدرس - خسارت مالی یا اتلاف مال میخواهد یا سببیت تامه می‌خواهد یعنی علت تامه از برای تلف کردن مال و فرموده آقایان تنها مطلب در اینجا اینست که مواضع پیدا شده است که این ثبت را صحیح نکرده است و این صورت اقتضا دارد که پولی را که داده است برگرداند اما اگر منجر شد به يك مرحله که فایده بر آن مترتب نندیا خساراتی وارد شد این مستند بدم ثبت صحیح این سند نیست که بواسطه ثبت آن این خسارت وارد آمده باشد و اگر مقصود اینست که می‌گویند در این مورد مثلا این صد تومان این هزار تومان بواسطه تقصیر

این مباشر خسارت صاحب سند شده است و باید از عهد بر آید این مطالب صحیح است ولی تصور این خسارت را از ثبت سند نمیشود کرد پس خوب است این ماده بر گردد بکمیسیون که این مطلب درست توضیح بشود

آقا شیخ ابراهیم - در موضوع حرف دارید که همچو چیزی نیست که هرچه خسارت مالی وارد بیاید آماده می‌گوید اگر همچو چیزی شد که بواسطه تقصیر مباشر ثبت همچو خسارتی بر صاحب معامله یا سند وارد شد باید مباشر ثبت از عهد آن خسارت بر بیاید والا مثلا ده تومان داده است برای ثبت و اعتبار سند خودش حال که سند او از اعتبار افتاد همان ده تومان را بدهد و آن خسارت بر صاحب سند وارد بیاید اینکه نمیشود بشما می‌گوید اگر يك همچو چیزی شد مباشر شد باید از عهد خساراتی که از این راه بر صاحب سند وارد شده است بر بیاید و هیچ اشکالی هم ندارد این ماده می‌گوید اگر يك همچو چیزی شد باید این طور بشود

مقیم السلطنه - عرض می‌کنم بمان دلپلی که آقای مخبر فرمودند این ماده ممکن نیست موضوعیت پیدا بکند بجهه اینکه همانطوریکه فرمودند اگر يك شخصی ده تومان برای ثبت سند خودش بدهد و از مباشر در ثبت اشتباه یا غلطی بشود هیچوقت این سبب يك خسارتی نخواهد شد برای اینکه عدم صحت ثبت سند عدم صحت سند نمیشود تا اینکه بگوئیم هرچه خسارتی که از ایشراه بر صاحب سند وارد میشود مباشر باید از عهد بر بیاید و بدون مراجعه باصل سند هم ممکن نیست حکمی بشود تا اینکه بتوانیم از الان احرازی کنیم که این خسارت وارده بواسطه ثبت بوده است و از اینجهه بمان ترتیبی که آقای مدرس خواستند گمان می‌کنم که اگر خود مخبر هم تقاضا بکنند که این بر گردد بکمیسیون بهتر است

آقا شیخ ابراهیم - نه آقای بکمیسیون بر نمی‌گردد اشکالی هم ندارد نمی‌گویند سند از اعتبار افتاد می‌گویند ثبت سند هر گاه از اعتبار افتاد باید از عهد آن خسارتی که وارد آمده است مباشر بر بیاید و این هیچ عیبی ندارد برای این که این شخص پول می‌دهد که سند او را ثبت بکنند برای يك فایده و يك موضوعی است یا این که لنو صرف است لابد برای يك فایده اینکه را می‌کند وقتی که برای آن موضوعی که می‌خواهد مفید نشد البته باید از عهد آن خسارتی که بر صاحب معامله وارد شده است مباشر ثبت بر بیاید و خیلی هم لازم است که این ماده در اینجا باشد

رئیس - آقای مدرس بتقاضای خودتان باقی هستید

آقا سید حسن - بله تقاضا می‌کنم که بکمیسیون رجوع بشود تا اینکه این مطلب درست توضیح بشود

رئیس - چون تقاضای رجوع بکمیسیون حق تقدم دارد اول رأی می‌گیریم بتقاضای آقای مدرس در این که این ماده بکمیسیون رجوع بشود آقایانی که موافقت با این تقاضا قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - مطابق ماده ۷۶ باید دومرتبه در این رأی گرفته شود در همین جلسه حالا رأی می‌گیریم آقایانی که تصویب میکنند که در همین جلسه مشغول مذاکره این لایحه شویم قیام نمایند (با اکثریت ۳۶ رأی تصویب شد) حالا شروع می‌کنیم بمذاکرات در کلیات این لایحه

ارباب کیخسروی - اینجا هر پیشنهادیکه میشود قانوناً باید دلایل آن در ابتداش باشد در اینجا فریاد لزوم آن چیزی نوشته شده است و آقای وزیر مالیه هم دلایل آنرا هیچ فرموده اند

رئیس - امداد کلیات اینمناکره میشود در دلایل فوریت مذاکره نمیشود

ارباب کیخسروی - بلی بنده در کلیات مرض می‌کنم اینجا هیچ فرموده اند که صرفه دولت در این چه بوده و آنچه فرموده اند فقط اینست که اگر این انحصار داده نشود ضرابخانه تعطیل خواهد شد حالا می‌توانید بفرمائید که صرفه دولت کدام است یعنی صرفه دولت در سال گذشته چه بوده است تا اینکه از روی آمیزان الان بتوانیم رأی بدهیم

وزیر مالیه - از صرفه که سابقاً دولت از باب ضرابخانه میبرده است معلوم است و نمایندگان مسیوقند که تا چه درجه بوده و آندرجه هم که بوده اغلبی ترتیب بود یعنی گاهی میشد که مدتها ضرابخانه در تعطیل میماند و گاهی هم میشد که ضرابخانه کار میکرد و نقره میرسید یعنی بطور اطمینان دولت نمیدانست که ضرابخانه همیشه داشته باید کار بکنند یا بکنند بسته باین بود که يك کسی بیاید کنترالی بکنند برای حمل نقره آنوقت ضرابخانه بکار میافتاد اگر کسی نمی‌آمد ضرابخانه کار نمی‌کرد این بود که پارسال چنانچه نزد بنده آمده اینجا مذاکره کرد صلاح دانستند که ضرب سکه را یعنی نقره که برای ضرب سکه وارد میشود رجوع بخود دولت بکنند به بیوند آیا اسما باید نقره وارد ضرابخانه نمایند یا خیر یا آنکه چقدر خواهد آورد و در ظرف چه مدت ضرابخانه باید کار بکنند و در مدت این یکسال انحصار شده که از بیستم ماه مارس ۱۹۱۰ الی بیستم مارس ۱۹۱۱ يك میلیون چهارصد هزار لیره بوده است حالا اگر بخواهید بدانید که فایده دولت در این چه بوده است آنرا هم میتوان عرض کنم اما قبل از اینکه فایده اش را عرض کنم لازم میدانم عرض کنم که اینجا دو فایده حاصل شده است یکی آن فایده است که تا امروز حاصل شده است در ظرف این مدت که ۷۵۰۰۰۰ تومان است و یکی مقداری نقره است که خریداری شده و در راه است فایده گمرکی او هم روی اینست که آنهم مقداری فایده کرده ششصد هزار تومان هست و اینرا هم عرض کنم که در این مدت یکمقداری تعطیل بوده است که تقریباً از اول سال تا آخر سال گویا یکماه تعطیل بوده است که از بابت تعمیرات ضرابخانه وغیره بوده است یکچند روز هم برف بوده که نقره نرسیده و معلوم است در این اوقات ضرابخانه هم کار نکرده است و در این مدت که کار کرده فایده اش این بوده

و در سالهای پیش این فوائد نبوده است و حالا ما میخواهیم که همین فایده را داشته باشیم و در سال آتی که مخصوصاً بیشتر از اینرا خواهد داشت بواسطه اینکه بهوجب اینقرار دادیکه حالاً پیشنهاد شده است سال گذشته دولت متعهد شده بود که از بابت پولهاییکه بانک میدهد و دولت نقره خرید میکند دولت صدی نه تنزیل بدهد و بهوجب این پیشنهادیکه بنده کرده ام دولت بفرماید از این در صدی پنج خواهد داد و بعد از مذاکراتی که شد در هیئت وزرا صرفه دولت را در این دیدیم که دوباره اینجا تجدید بکنیم فقط بآن تعمیرات که آنهم صرفه ما است

کاشف - بنده میخواستم از وزیر مالیه سؤال کنم که در این قرارداد بانك چه اینکه خرید برات خارجه را فقط منحصر کرده اند به بانك یعنی دولت منحصر کرده که همیشه خودش وقتی نقره میخرد باید بتوسط بانك بفرود آن صدی سه ربح را بانك بدهد و خودش را باین مقید کرده است چیست که نتواند دوات از سایر طرفها و بانكها خرید بکنند و البته باید از این انحصار واز و گذار کردن بانك شاید يك ضرری از راه مظنه عاید دولت بشود می‌خواستم سؤال کنم که دولت چه نظری داشته است در اینکه سایرین را محروم کرده است از فروش

مقیم السلطنه - بلی آنچه بنده می‌بینم رای مخالفی در کلیه داده نشده است و این خیلی خوب است بعلت اینکه همین نوعیکه آقای وزیر مالیه فرمودند این يك کار خیلی خوبی است که باید برای صرفه دولت در آن اقدام کرد و اینکه آقای کاشف اظهار کردند فقط در یکی از مواد است که آن ایراد هم اگر التفات بفرمائید وارد نیست بجهت اینکه

رئیس - در کلیات اگر اظهاری دارید بفرمائید

مقیم السلطنه - در کلیات موافقت **بجهت العلماء** - بنده می‌خواستم خاطر آقای وزیر مالیه را متوجه کنم باینکه پارسال گذشته هم تجار داخله حاضر بودند که همین ترتیب بلکه بهتر از این قرارداد با دولت بکنند حالاً متذکر میشوند که صرفه و صلاح دولت را در این خصوص ملاحظه فرموده اند یا خیر عرض می‌کنم تجار داخله الان حاضر هستند که بهمین ترتیب بلکه شاید بیک ترتیب بهتری بدهند آیا که آنها حاضر باشند و ما گوش بآنها ندهیم و آنها را میبوس بکنیم آیا حق تجار داخله را ضایع و ابطال کرده ایم یا خیر اگر آقای وزیر مالیه با تجار داخله مذاکره کرده اند دیده اند صلاح و صرفه دولت در اینست که بآن ها قرار دادی بکنند خوب است که آنرا مفصلاً به فرمائید تا بتوانیم رأییکه می‌دهیم از روی بصیرت باشد

وزیر مالیه - بنده در این باب تعجب می‌کنم می‌گویند اشخاصی حاضرند مدت قرار داد بانك را که همه می‌دانستند اگر اشخاصی حاضر بودند چرا بچنین پیشنهادی را می‌کنند فعلا در خارج اشخاصی باز اظهارات میکنند این سندیت پیدا نمیکند در خارج همه می‌دانسته اند که اینقرار داد

داد درجه مدت تمام میشود اگر اشخاصی بودند که حاضر بودند چرا در این خصوص پیشنهادی نکردند که ما باینقرار داد بانك حاضر هستیم ابتدا حاضر نشده اند و اظهاری نکرده اند

سلیمان میرزا - بنده با اظهارات آقای وزیر مالیه ابتدا قائم نشدم و این هیچ دلیلی نیست که وزیر مالیه عنوان بکنند که اینها چرا اطلاع ندادند و دلیل آن معلوم بود در سال گذشته وقتیکه این مطلب عنوان شد جماعتی خیلی پیشنهاد ها کردند ولی چون محل قبول نیافت باین جهت دیگر اظهاری نکردند بجهت اینکه مایوس بودند بنا بر این هیچ اظهاری نکردند و اگر این لایحه اعلان بشود و بدانند که وزارت مالیه حاضر است با تجار داخله قرار داد بکنند بطوریکه با بانك می‌کند گمان می‌کنم تا جلسه آتی پیشنهاد های خیلی جدی برای وزیر مالیه برسد که تمام با اقدامات خیلی جدی حاضر باشند از برای انحصار در صورتیکه تجار داخله نتوانستند این منفعت را ببرند خیلی خوب خواهد بود این قرار داد با بانك و او مقدم خواهد بود و دولت به عقیده بنده یعنی وزیر مالیه لازم است يك مذاکره با آنها بفرمائید و اگر قبول نکردند بتوان بطور جدی رأی داد

حاج وکیل الرعایا - از وقتی که منفعتی که اینجا عاید می‌شود باید تجار داخله شود فقط منفعتی است که در سال گذشته سال نه در صدد بود و در سال آتی پنج درصد است و با ترتیبی که می‌سنجیم گمان می‌کنم برای تجار داخلی تا بتوانند این منفعت را ببرند خیلی خوب خواهد بود اگر يك منفعت بزرگی بود که بتجار داخلی خودمان عاید میشود لکن فقط فایده که دارد همین است و حال تجار خود ما را که می‌سنجیم هیچ منفعت هنگفتی برای آنها نخواهد داشت که بخواهم و بتوانند که پول خودشان را در منفعت پنج درصد در خزانه دولت معطل کنند و این يك قدری منفعت خوبی است که ما بآنها برسائیم برای اینکه آنها خودشان می‌توانند پول خودشان را بيك منفعت بزرگتری بدهند بکار بیندازند و يك چیز دیگری لازم است عرض کنم که یکی از تجار معتبر ما که بزرگترین تجار داخله ما محسوب می‌شود يك مقداری نقره موجود داشت که بنده مدتی بآن اصرار می‌کردم که بهمین ترتیب که بانك قرار داده این نقره آلات را بده بدولت بمان قیمتی که وارد شده و پول را بگیر و يك سال است که مکرر این پیشنهاد شده است باو از طرف دولت او قبول نکرد هیچ يك از تجار داخلی ما با پول پنج درصد بدولت خودشان مساعدت نخواهند کرد

بجهت - همیشه این اوایسی که باین طور بفوریت می‌گذرد اسباب ندامت می‌شود و آقای وکیل الرعایا خودشان هم میدانند که از آن بابیکه ایشان شخصاً سبب شدند که این خسارت کلی بر رهایای داخلی وارد شد که خیلی جای تأسف و حیرت برای اشخاص وطن خواه شده واقفاً چقدر

خسارت بتجار داخله وارد شد و بموجب شکایاتیکه از آنها دیده شد و بنده در ضمن عرایضی که از آنها دیدم شکایات کرده بودند چه خسارت ها بآنها وارد شد و حالا هم این کار را دارند و حاضر هستند و بدون اینکه فکری در این کار بکنیم یا اینکه بکمیسیون برود یا اینکه وزیرمالیه تجار را دیده باشند و خیالات آنها را دانسته باشند باینکه فوریت کاملی که داریم این را می گذرانید در صورتی که نیم ساعت قبل هم متذکر باین مطلب شده ایم که خودمان را حاضر بکنیم می فرمایند این در سه روز قبل بهیئت رئیسه داخل شده و منتشر شده ولی چون جزو دستور نبوده مانمی دانستیم که در تحت مذاکره می آید لهذا بنده تقاضا میکنم که این مطلب مسکوت عنه بماند و برود بکمیسیون یا این که وزیرمالیه تقاضای تجار داخله را استماع بفرماید بنده این را خوب می دانم که تجار داخله بهیچ وجه رقابت با سرمایه تجار خارجه نمی توانند بنمایند ولی اگر این ها را داخل کنیم و گوش بعرف های آنها بدهیم شاید يك اندازه آمال آنها برآورده شودو شاید يك منافعی هم آنها تصور کرده باشند برای دولت خودشان اگر اینقدر هم بآنها مساعدت نشود بنده ظم تصور میکنم باز اگر وزیر مالیه تصور میکنند که فوری رأی در کلیات این داده بشود مختارند اما بنده این را باین چیز می دانم که بحقیقت حقوق ملی است

رئیس - گمان میکنم مذاکرات کافی است رأی بگیریم برای اینکه داخل شویم در شور مواد آقایی که شور در کلیات این لایحه را کافی می دانند و موافقتند که شروع بشود در مواد آن بکنیم قیام نمایند (به اکثریت ۳۸ رأی تصویب شد) که داخل در شور مواد شویم حالاده دقیقه تنفس داده میشود بعد از تنفس داخل در مذاکره مواد میشود (مجلس برای تنفس متفرق شد)

(بعد از تنفس مجدداً جلسه تشکیل شد)

وزیر داخله - قبل از شروع این مسئله خواستم در باب طرح قانونی منس احتکار عرض کنم چون در هیئت وزراء قرار شده است طرح های قانونی که در مجلس مطرح میشود قبل از آنکه در مجلس رأی گرفته شود نظرات وزراء هم در این باب معلوم شود و امروز بنده این لایحه را آنجا خواندم هیئت وزراء ملاحظاتی دارند لهذا تقاضا میکنم که این طرح به کمیسیون اعاده شود تا ملاحظاتی وزرا را هم در آنجا بنده عرض کنم

رئیس - مخالفی نیست پس برای روز پنجشنبه یا شنبه مطرح مذاکره بشود خوب است روز شنبه هم بفرمایند که جزو دستور بشود روز شنبه که کمیسیون داخله منعقد است تشریف بیاورید

وزیر داخله - بسته است به اینکه روزیکه کمیسیون داخله منعقد خواهد بود بنده اطلاع بدهم که حاضر شوم

رئیس - هر روزیکه منعقد میشود بهیئت وزراء اطلاع میدهم که تشریف بیاورید

افتخار الواعظین - کمیسیون داخله روز پنجشنبه منعقد است

رئیس - پس جزو دستور روز شنبه خواهد بود و حالا شروع میکنیم شور در مواد لایحه وزارت

مالیه در خصوص مسئله کترات نقره ضرابخانه با بانک شاهنشاهی (ماده واحده لایحه مزبور بمضمون ذیل قرائت شد) وزارت مالیه مجاز است که قرارداد مورخه اول حمل ۱۳۲۸ را در باب خرید و حمل نقره با بانک شاهنشاهی ایران باریت تغییرات ذیل از اول حمل ۱۳۲۹ تا آخر حوت ۱۳۳۱ تجدید نماید اول- تعیین مقدار نقره که بموجب قرارداد سابق یکصد و بیست و کرور متقال بوده بسته بصلاح دید دولت است که در رأس هر ماه مقدار آن را تعیین خواهد نمود

(۲) - مقدار نقره که بانک بطور مساعدت برای دولت تهیه خواهد نمودالی سیمصد هزار لیره بوده و میزان منفعت از بابت کلیه وجوه بانک باینکه پیشکی میدهد برقرار ۵ درصد خواهد بود

رئیس - در باب مذاکرات اگر در مواد کتراتی که با بانک بسته میشود مخالفی نیست بمانده که از طرف وزیر پیشنهاد شده است رأی بگیریم و اگر اینطور نیست بمانده که از طرف وزیر پیشنهاد شده است مخالفی هست داخل میشود در مواد کمیسیون

آنوقت مذاکره میکنیم (از طرف نمایندگان تصدیق شد) خوب ماده اول کترات که بموجب ماده واحده وزیر تصدیق میکند در آن باب مذاکره نخواهیم کرد

ماده ۲ - (ماده ۲ بمضمون ذیل قرائت شد) چون دولت علیه ایران حمل نقره را برای ضرب در ضرابخانه بکلی منحصر بخودشان فرموده اند فقط بانک شاهنشاهی و کالت میدهند که نقره را بابت حساب دولت علیه خریداری نموده حمل بتهران نمایند و دولت علیه ایران در مدت دوام این قرارداد تعهد می فرمایند که هیچ مقدار نقره توسط دیگری حمل نفرمایند مگر بتوسط بانک شاهنشاهی ایران لاغیر و نقره را هم که بتوسط دیگران از خارجه حمل شده باشد خریداری نفرمایند و نیز دولت علیه تقبل میکنند که قیمت نقره و تمام مخارج حمل آن بتهران با انضمام حق بیمه و غیره هر چه را که بانک شاهنشاهی از بابت دولت علیه ایران داده است بطوری که در ماده هشتم ذکر شده عاید و مرحمت فرمایند

رئیس - اما آنچه در باب کترات فرمودید این ترتیبش این است و چون در بعضی مواضع شاید مخالفی باشد بنده مجبورم که موافقا جدا جدا در تحت مذاکره بگذارم حالا اگر میدانید که این خیلی فوری است و باید امشب رأی داده شود ممکن است قدری جلسه را طولانی کنیم و مذاکره بکنیم تا تمام شود

رئیس - اما آنچه در باب کترات فرمودید این ترتیبش این است و چون در بعضی مواضع شاید مخالفی باشد بنده مجبورم که موافقا جدا جدا در تحت مذاکره بگذارم حالا اگر میدانید که این خیلی فوری است و باید امشب رأی داده شود ممکن است قدری جلسه را طولانی کنیم و مذاکره بکنیم تا تمام شود

وزیر مالیه - بنده هیچ ملتفت فرمایشات آقای وزیر مالیه نشدم در باب فایده بانک در واقع بانک در اینجا باین بولی قرض میدهد از قرار ۰/۵ با این شروط این دیگر لازم این نیست که قرار بدهیم که دولت هر قدر برای خارجه می خواهد بفریز از بانک از کسی دیگر حق نداشته باشد بخرد این معامله بول یا خرید نقره است ببقیده بنده اگر يك حق العمل برای خرید نقره با بانک قرار بدهید بهتر است از اینکه علی العباد که هر چه قدر مملکت ایران نقره لازم دارد بهر مظنه که بانک بخواند بفروشد از بانک بخرد

رئیس - اما آنچه در باب کترات فرمودید این ترتیبش این است و چون در بعضی مواضع شاید مخالفی باشد بنده مجبورم که موافقا جدا جدا در تحت مذاکره بگذارم حالا اگر میدانید که این خیلی فوری است و باید امشب رأی داده شود ممکن است قدری جلسه را طولانی کنیم و مذاکره بکنیم تا تمام شود

حاج سید ابراهیم - بنده می خواستم عرض کنم این مواد طوری است که باید مذاکره کنیم با آنطرف و آنطرف هم که حاضر نیست مثل اینکه بنده می خواستم بگویم دو سال زیاد است آیا مجال آن اشکال هست یا اینکه قراردادی است که شده است و اساساً تصویب کردیم دیگر مواضع مذاکره لازم ندارد

رئیس - عرض میکنم ماده بمانده که بنا شد مذاکره کنیم و رأی بگیریم آقای وزیر مالیه هستند اگر می بینند که لازم است که با طرف مذاکره کنند ارجاع میکنند بکمیسیون و با طرف مذاکره میکنند و اگر دیدند که لازم نیست و باید رأی گرفته شود که میگویند او را هم و حالا در ماده دوم مذاکرات می کنیم آقای ارباب در ماده دوم مخالف هستید

ارباب - خیر بنده هم در مدت حرف داشتم

رئیس - پس ماده دوم مخالفی ندارد میرویم بماده ۳

[ماده ۲ بمضمون ذیل قرائت شد]

ماده ۳ - دولت علیه ایران تعهد می فرمایند که هر مقدار برات خارجه برای حمل نقره مطلوب لازم شود تمام را از بانک شاهنشاهی ایران اقبیاع فرمایند لاغیر

رئیس - بمانده ۳ کسی هست که مخالف باشد؟

ارباب کیخسرو - بنده مخالف هستم بنده اینجا هیچ لازم نمیدانم که این ماده اینجا قید شود که دولت ایران هر قدر برات خارجه بخواند مخصوصاً از خود بانک بگیرد دولت ایران باید باین بولی بدهد بقیسکه با صفر تر است برای ایران آنطور رفتار میکنند دیگر حاجت نیست که اینجا قید شود

وزیر مالیه - خوب است آقایان در کلیه ملاحظه فرمایند که چقدر فایده از این قرارداد بدولت میرسد و در کلیه چقدر فایده بیابیم برسد اگر داخل این مذاکرات بشویم همانطوریکه عرض کردم چند روزی باید معطل بشویم و تلگراف در باب خرید نقره مغایره نشود و این اسباب خسارت دولت خواهد شد و در باب مواد روح آفران داده مان ماده اول است که اینجا ذکر شده است حالا میفرمائید که اینجا چقدر فایده بانک که این قرار داده را بدولت میدهند و باین متافیکه برای دولت منظور شده است دیگر فایده بانک از کجا خواهد بود بانک هیچ فایده نداشته باشد وقت کار بکنند بگوئیم این ماده هم نباشد یا اینچنین نویسیم چون دیگر بنویسیم پس فایده بانک از کجا منظور میشود فایده بانک چیست مجانبه که برای ما کار نمیکند

رئیس - اما آنچه در باب کترات فرمودید این ترتیبش این است و چون در بعضی مواضع شاید مخالفی باشد بنده مجبورم که موافقا جدا جدا در تحت مذاکره بگذارم حالا اگر میدانید که این خیلی فوری است و باید امشب رأی داده شود ممکن است قدری جلسه را طولانی کنیم و مذاکره بکنیم تا تمام شود

ارباب کیخسرو - بنده هیچ ملتفت فرمایشات آقای وزیر مالیه نشدم در باب فایده بانک در واقع بانک در اینجا باین بولی قرض میدهد از قرار ۰/۵ با این شروط این دیگر لازم این نیست که قرار بدهیم که دولت هر قدر برای خارجه می خواهد بفریز از بانک از کسی دیگر حق نداشته باشد بخرد این معامله بول یا خرید نقره است ببقیده بنده اگر يك حق العمل برای خرید نقره با بانک قرار بدهید بهتر است از اینکه علی العباد که هر چه قدر مملکت ایران نقره لازم دارد بهر مظنه که بانک بخواند بفروشد از بانک بخرد

حاج وکیل الرعایا - آقای ارباب در اینجا یک ملاحظه نموده اند که دو کار هست خرید از اینجا سه کار هست یکی لزوم بولی است برای سرمایه اینکار در تحت یکسود ۰/۵ است این باین قرارداد است بیک ماده یکی دیگر لزوم شخصی است در لندن یاداری اما اینکه ثابت شده باشد برای خود خرید آنهم در تحت يك ۰/۴ است آن هم يك ساد بگوش مشکتترین مواد اینجا است آنچه چیز است آن این است که ما باین کسی را می خواهیم که آن نقره که باید بطلا خرید شود صد هزار لیره برساند برای خرید نقره صد هزار تومان بماند هزار تومان نمیشود و آن کی است و با چه حق العملی

می خواهد کار بکنند گمان می کنم این که میفرمایند باین شاهنشاهی از برای دولت بخرد مقصود از این این است که بانک شاهنشاهی از طرف دولت ایران بآن و کالتی که دارد و آن حسن اداره که دارد با يك حق السمی می خرد و تقدیم دولت ایران می کند اگر این ماده را بر داریم باید بگوئیم از برای دولت کی می خرد این طلا را برای جاهائی که محل فروش او است یا این حق السمی بعد او را بر داریم یعنی از بانک بر گردانیم بجایش بگذاریم

ارباب کیخسرو - بنده هیچ ملتفت این مطلب نشدم همان شخص که امین است که پول نزد او می رسانند نگفتم که او امین نیست و پهلوی او نفرستند بنده عرض می کنم که آن پول راحکم نیست که با این شرطیکه شده است علی المعجاله تحویل بانک بدهیم و بانک بهر نرخ که بخواهد برات را بدهد ممکن است از بانک شاهی یا بانک استقراضی بخرید از هر کسیکه بخرید مقصود میزان برات بود که اینجا هیچ قید نشده است که میزان عادلانه گرانتر قید شده باشد که بظن عادلانه بنده هیچ حرف ندارم و چون اینجا هیچ قید نشده است فقط نوشته شده است که دولت هر وقتی که بخواهد برات بخرد از بانک باید بخرد و بنده اینجا بهیچ وجه قبول ندارم

وزیر مالیه - در ماده دیگر که بماند باین مسئله قید شده است

کاشف - این جوابها که داده شد در ماده سوم هیچ کدام را که بنده ملاحظه کردم متقاعد نشدم اینجا ملاحظه در این است که چرا دولت انحصار میدهد باینکه وما چیز دیگر نمی توانیم از این ماده بفریم فقط می گویند که دولت ایران تعهد میکنند که زمانی که برات خارجه لازم است جهت خرید نقره تمام را از بانک شاهنشاهی بخرد لا غیر یعنی يك انحصاری باینکه داده اند جهت این ترجیح و انحصار چیست ممکن بود دولت این انحصار را بر دارد و بموجب موادی که گذشت تنزیل و فرعی بطوری که معمول است منظور خواهد شد ولی اینکه منحصر باشد باینکه که دولت حکماً از بانک بخرد بانک هم شاید از مظنه بیشتر بخواهد

حاج وکیل الرعایا - بله اینجا صرفه بزرگی برای دولت شامل است برای اینکه باینکه شاهنشاهی خودش هم مایل است که قیمت طلا در ایران قیمت زیادی را پیدا بکند که خودش هم از این بابت يك ضرری نکند برای این که خودتان دیدید در يك موقعی طلا ۲۹ الی سه تومان کرد بقران و بعد دیدند که محتاج شد باینکه عوض او پنج تومان بگیرد و سهام او در لندن چه اندازه تفاوت پیدا کرد پس این در جدیت نیست که همیشه قیمت طلا در ایران باینکه اعتباری را داشته باشد برای اینکه باینکه ضرری را سبب نشود چنانچه در سال گذشته این شد در سالهای پیش هم خیلی اتفاق می افتاد که يك دیکه یا قدری کمتر در قیمت نقره باطلا میزانهای مختلف پیدا می کرد و شاید تجار هم

می توانستند يك میزان صحیحی برای خرید و فروش خودشان در نظر داشته باشند چونکه نقره را می فروشند بوعده بداند در وقت پس گرفتن منفعتی دارند یا خیر بواسطه همین مسئله و در این یکسال گذشته چون بانک منفعت خودش با منفعت دولت توأم بود و مجبور بود برای جلب منفعت خودش باین میزان معین طلا را نگاه داشت باینکه ۰/۲ قناعت کرد و این خودش معلوم می دارد که چقدر بانک مجبور است که قیمت طلا را نگذارد از حد اعتدال خارجه شود چون خودش شریک است در این منفعت باز عرض می کنم که برای منفعت دولت است نه برای منفعت بانک و اگر از آن حد انحصار خارج بشویم که دولت خودش خریدار بشود می خواهیم يك تجربه هم بکنیم ولی چیزی عاید دولت نمی شود

رئیس - بنده گمان می کنم که مذاکرات در این باب کافی است میرویم بماده چهارم

(ماده چهارم بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴ - قیمت کلیه اینگونه برات این قسم معین میشود که در هر مظنه که بانک شاهنشاهی ایران برات تلگرافی حواله لندن را خریداری کند از قرار ۰/۳ علاوه بر آن میزان با دولت حساب نماید هنگامیکه مظنه برات خارجه معین می شود قیمتی را هم که از آن قرار نقره باید خریداری شود آنهم در همان مجلس معلوم و معین خواهد شد

رئیس - مخالفی نیست - چون مخالفی نیست ماده پنجم قرائت می شود (ماده پنجم بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - مقدار نقره که در تحت شرایط این قرارداد باید حمل شود عبارت از یکصد و بیست کرور متقال خواهد بود ولی مقرر است که هر گاه بواسطه نرخ بروات خارجه و قیمت نقره حمل این مقدار مقرر بصره نباشد در آن صورت طرفین هیچیک مجبور به حمل آن نخواهند بود

رئیس - چون ماده بموجب ماده اول پیشنهاد وزیر تغییر داده میشود در این موضوع در آن مذاکره نمی کنیم ماده ۶ خوانده می شود

[ماده ۶ - بمضمون ذیل قرائت شد]

ماده ۶ - دولت علیه ایران تقبل می فرمایند باینکه قیمت تمام نقره که در عرض مدت استقرار این قرارداد حمل می شود بقرار ۴ صدم باینکه شاهنشاهی ایران حق العمل مرحمت فرمایند و این حق العمل از روی قیمت نقره که بیشتر داده می شود حساب شده همان میزان که قیمت هر نقره نقره اقبیاعی تسعیر می شود بقران مسهر گردد

رئیس - مخالفی نیست - پس ماده ۷ قرائت می شود

(ماده هفتم بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۷ - بانک شاهنشاهی ایران هر مبلغی تنخواهی که بدفعات برای خریداری نقره لازم شود الی مبلغ دو صد هزار لیره انگلیسی تدارک تهیه نماید تقبل می نماید و معادل عوض آنرا از عمل کرد ضرب آن نقره از ضرابخانه مبارکه مأخوذ و دریافت دارد میزان منفعت کلیه این وجههائی که بانک پیشکی می دهد

بقرار ۰/۹ در سال خواهد بود

رئیس - اینهم بموجب ماده ۲ از لایحه وزیر تغییر داده می شود یعنی ۰/۵ قرارداد می شود بنابر این اگر مخالفی هست آنها را نکند (مخالفی نبود) پس ماده ۸ قرائت می شود

(ماده ۸ بقرار ذیل قرائت شد)

ماده ۸ - تمام نقره ها می که در عرض راه الی طهران و در بانک در مدت سکه شدن و غیره در ضرابخانه خواهد بود در حکم وثیقه وجوه پیشکی داده بانک است ولی مقرر است که فوائد تقریبی حق دولت علیه است از هر نقره نقره که بضررابخانه فرستاده شود باید بخود دولت برسد و هر گاه لازم شود بدفعات می تواند آنرا از پیش دریافت فرماید مشروط بر اینکه تأدیه و پرداخت قیمت نقره و مخارج و تنزیل بانک کاملاً ملاحظه و منظور نظر باشد و نیز مقرر است که مقدار نقره موجودی ضرابخانه در دفعات واحد برای آنکه ضرابخانه بدون انفصال بتواند مشغول کار باشد قریب ۵۰ هزار لیره کافی خواهد بود

رئیس - مخالفی نیست در این ماده - پس ماده واحده لایحه وزیر خوانده می شود در آن رأی می گیریم

(مجدداً ماده واحده قرائت شد)

رئیس - در این جا در واقع سه مطلب است یکی تجدید مدت ۲ ساله یکی در باب ۰/۵ است یکی هم مقدار نقره است که بصلاح دید دولت است اول در باب مدت مذاکره می کنیم

آقای میرزا مهرتقی قلیخان - آنچه در این چند روز مذاکره شده است حسیات اغلب نمایندگان را دیده ام که موافقت باصل این پیشنهاد ولی در باب مدت ۳ ساله حاضر نیستند و رأیشان اینست که ۲ ساله نباشد بواسطه اینکه بهتر اینست که يك ساله باشد چون ملاحظاتی در این است وزیر مالیه هم تصویب خواهد کرد بجهت اینکه معلوم نیست که نظریات و کلاهی آنچه در آنچه خواهد بود و از طرف وزارت مالیه هم چه جور پیشنهاد می شود و چه قسم پیش خواهد آمد شاید لازم شود که بعد از يك سال يك تغییر و اصلاحی در آن داده شود در هر صورت اگر این مسئله را تقبل بفرمایند که يك ساله بشود گمان می کنم مذاکره دیگری نداشته باشد

وزیر مالیه - در موقمی که داخل مذاکره این کترات شدیم از طرف بانک بیشتر از این مدت یعنی بیشتر از ۲ سال تقاضا شده بود و در مقابلش در این مساعدتهائی که شده است ملاحظه می فرمایید در مقررات منظور شده است ایشان حاضر شده اند که اینطور با دولت ایران مساعدت کنند و آمدنی که از طرف بانک پیشنهاد شده بود در هیئت وزرا مذاکره شده بود اینطور صلاح دیدند که ۲ سال باشد اینست که بنده هم در اینجا دو سال نوشتم حالا اگر نظرات آقایان و کلا

باین باشد که یکسال باشد بنده گمان میکنم که بتوانم مدت را یکسال بنمایم .
رئیس - ایضا بگذاریم همینطور باشد یا اینکه رأی بگیرییم .
وزیر مالیه - خیر رأی بگیریم .

رئیس - پس همان یکسال را بول میفرمائید
وزیر - بله یکسال باشد [ماده واجده جزه اول از لایحه وزیر قرائت شد]
 (۱) تعیین مقدار نقره که بموجب قرارداد سابق یکصد و بیست کروور مثقال بوده بسته بصلاح دید دولت که در رأس هر ماه مقدار آنرا معین خواهد کرد .

فهمیم الملك - این جزء اول راجع است بماده پنجمیکه در کترات نوشته شده بود ولی ماده دوم طلب رادارا بود یکی تعیین مقدار نقره است یکی بروات که در آخر نوشته شده است حالا اینجا اینطوریکه نوشته شده است قسمت اول را تغییر داده آقای وزیر بفرمائید که قسمت اول بحال خودش باقی خواهد بود یا بکلی تغییر داده میشود

وزیر مالیه - خیر آن در جای خودش باقی است همان تغییری است که در اینجا عرض کردم
رئیس - پس در باب قسمت اول ماده واحده و قسمت دوم ماده مخالفی نیست .

مقیم السلطنه - این يك ماده اینجا دو مطلب است یکی مقدار را معین کرده بود که یکصد و بیست کروور مثقال باشد دیگر نوشته بود مقررات بواسطه نرخ نقره در خارج دولت مجبور حمل آن نخواهد بود و اینمطلب را اینماده در حقیقت گنجانیده است که در صورت تغییر نرخ دست دولت را آزاد کرده است که هر وقت صلاح دولت است بخواهد هر وقت که صلاح نیست نخواهد آن متهم با داشتن اینماده که خودش خیلی کامل است که هر قدر نقره باید حمل شود در هر ماه بسته بصلاح دید دولت است هر وقت صلاح دید و لازم دانست حمل میکند و هر وقت نخواست حمل نمیکند گمان میکنم لازم نباشد .

وزیر مالیه - بودن این آخر ماده هیچ ضرری برای ماندن دارد بلکه تأکید میکند آنچه را که برای صلاح دولت است (قسمت ۲ از ماده لایحه وزیر قرائت شد)

(۲) مقدار نقره که بانك بطور مساعدت برای دولت تهیه خواهد نمود الی سیصد هزار لیرا بوده و میزان منفعت از بابت کلیه وجوهاتی که بانك پیشگی میدهد بقرار ۰.۵٪ خواهد بود .

رئیس - در اینجا هم مخالفی نیست .
هشترودی - این الی سیصد هزار لیرا میفهماند که از یائین تر تا الی سیصد هزار لیرا بوده و میزان منفعت از بابت کلیه وجوهاتی که بانك پیشگی میدهد بقرار ۰.۵٪ خواهد بود - حالا این سیصد هزار لیرا که از یائین تر تا الی نوشته شده است این معین نمیکند میزان را و صحیح هم نیست باید این لفظ الی بر داشته شود بنویسند سیصد هزار لیره که معین باشد .

وزیر مالیه - بنده عرض میکنم چرا خودمانرا مقید کنیم اینجا نوشته شده است تا سیصد هزار لیره و اگر بخواهیم تا سیصد هزار لیرا که بتوانیم بخواهیم

حالا اختیار داریم کمتر هم بخواهیم و اگر آن لفظا ما را بر داریم خودمانرا مقید کردیم چرا دست خودمانرا ببندیم
ادیب التجار - این جزء ماده (ولی مقررات تالی نخواهد بود) من معنی اینرا نمیفهمم مراد حمل است یا خرید .

رئیس - این گذشت اینجا فقره دوم ماده واحده است اینکه میخواهید گذشته است اگر مخالف دیگری نیست در اینصورت رأی میگیرییم بقیام و نمود .

ارباب کیخسرو - باورقه باید رأی گرفت .
رئیس - آقایانیکه با اینماده واحده که از طرف وزیر مالیه پیشنهاد شده است موافقت قیام نمایند (اظهار شد که مشکوک است) - چون مشکوک شده است مجدداً رأی گرفته میشود آقایانیکه موافقت بالایحه از بوره قیام نمایند (اغلب قیام نمودند با کثرت ۵۹ رأی تصویب شد) .

ارباب کیخسرو - این رأی که در اینجا گرفتید هیچ اظهار نفرمودید که مدت دو ساله شد یا یکسال .

رئیس - چون آقای وزیر مالیه یکسال را قبول کردند دیگر محتاج بتوضیح نبود حالا رأی در کلیه این کترات میگیرییم آقایانیکه موافقت قیام نمایند (با کثرت ۵۸ تصویب شد) .

رئیس - آقای سلیمان میرزا در موع نفس اجازه خواسته بودند که در این باب اظهاری فرمایند بفرمائید

سلیمان میرزا - خواستم بعرض آقایان برسانم یکمطلبی را که شاید اسباب سوء تفاهم و بعضی شکایات بشود در ابتدای این لایحه وزیر فرقه اقل بقریت رأی ندادند و همچنین در موضوع خارجه که این کترات بسته شود بدون اینکه بانجار داخله مذاکره شود رأی ندادند زیرا در هر جهت در اینگونه امور نظریات فرقه اقل بر اینست که در اینجور امور تجارتنی بانجار داخله باید مذاکره شود اگر آنها قبول کردند چه بهتر بلکه يك جزئی مساعدتی هم بفرمایند بعلمت اینکه مملکت ترقیش از صناعت و تجارت است هر چه ممکن است باید سعی کرد که صناعت و تجارت مملکت را ترقی داد و اگر هر کاری را بانجار داخله باوجود قلت سرمایه و رقابت سرمایه داران خارجه که اینجا هستند با تساوی مشروط بآنها ندهیم تجار باز خواهند ماند و چون مذاکره شده بود و تقاضا هم شد و اظهارات شد ولی اکثریت مجلس رأی داد که فوریتش قبول شود و مطرح مذاکره شود و رأی هم همین امروز گرفته شود و این نظر حزب اقل را قبول نکردند که بانجار داخله مذاکره شود این بود که مطلب راجع شد با اساس این امر چون صرفه بود برای دولت همه ما همراه هستیم چنانچه همیشه همراه بودیم و امروز هم در این نظر که يك منفعتی است برای مالیه دولت با قلت عایدی دولت همراه بودیم و بهیچوجه اینمطلب مخالفت در اول امر نخواهد داشت زیرا نظریات اول در امر مشاوره بوده نظر بحال تجار داخله رأی ندادیم و ثانیاً اساسی بود نظر بمنفعت دولت همراه بودیم و رأی دادیم .

حاج آقا - بنده تصدیق میکنم فرمایشات حضرت والا آقای سلیمان میرزا را ولی چون اکثریت مجلس هم امروز مطلب را قطع کرد لازم دانستم که اینمطلب توضیح شود که اکثریت هم قبل از اینکه این مذاکره شود مذاکرات خودشانرا بعد از طبع و توزیع این لایحه باهم نموده اند قبل از وقت افکار خودشانرا

در اینمطلب حاضر کرده بودند و قطع داشتند که این مطلب را تجار داخله که یول گزافی بدهند نقره بخرند که سکه کنند با این سود کم قوه نداشتند ملتفت این معنی شده بودند بعلاوه استمزاج از تجار داخله هم کرده بودند گمان نمیکنم که تجار باثروتی باشد و اگر باشد ثروت داخله اینمملکت بسود ۰.۵٪ بدولت داده شود شاید اینمطلب اینکه در چندی قبل عنوان استقراض داخلی شد و در همین مجلس هم عنوان ۷ صدم شد و دولت هم يك مجلسی معین کرده بود برای آنسود کسی حاضر نشد باین جهت در مورد اینمامله هم که در واقع استقراضی است گفتند که اگر تجاری حاضر باشد برای ۰.۵ صدم دولت بجهت استقراض ۷ صدم رامیده و چون قرض جاری است و بجهت ضرابخانه بود ۰.۵ صدم از همان بانك معین شده است میگیرییم و سود ۷ صدم را میگذارند برای استقراض داخلی .

رئیس - مذاکرات در این باب نمیکنیم فقط برای اظهار عقیده بود کفایت کرد و (آقای حاج سین نصرالله بجای آقای مشیرالدوله - حاج دکتر رضا خان بجای بنده - آقای عز الممالک بجای آقای مستشارالدوله در کمیسیون انتخابات معین شده اند دستور جلسه پنجشنبه و شنبه گفته شده است .
 دستور جلسه سه شنبه ۴ ربیع الثانی هم عرض میشود راپورت کمیسیون راجع باصل ۷ قانون اساسی قانون ثبت اسناد .

وزیر مالیه - در باب استقراضی که سابقاً پیشنهاد مجلس شده است و چون بکمیسیون قوانین مالیه رجوع شده بود راپورتی در آن باب بکمیسیون قوانین مالیه نوشته و بمجلس پیشنهاد کرده است چون نظریاتی در آن باب هیئت وزراء دارند خوب است و تقاضا میکنم او را رجوع کنید بهمان کمیسیون قوانین مالیه که وزرا آمده نظریات خودشانرا بگویند .

رئیس - خیلی خوب چون هنوز بمجلس نیامده است هر وقتی آمد که جزء دستور بشود رجوع میشود و هر روزی را که میخواهید بکمیسیون اطلاع بدهید و در این باب تشریف آورد مذاکره نمایند که نظریات وزراء هم اظهار بشود .

سلیمان میرزا - بنده تقاضا میکنم که جزء دستور گذاشته شود که رأی آخری لایحه اعزام ۳۰ نفر شاگرد بارویا بعد از مدت ها که از مجلس گذشته و يك رأی آخری لازم دارد داده شود تا اینکه این ۳۰ نفر شاگرد زودتر فرستاده شود .

رئیس - چون وزیر معارف نظریاتی در این باب داشته و بنامش بکمیسیون بودجه مذاکراتی میکنند فردا در کمیسیون بودجه منعقد میشود و اظهارات خودشان را خواهند گفت میتوانیم برای جلسه سه شنبه ۴ ربیع الثانی جزء دستور بگذاریم اگر مخالفی نباشد (اظهار شد که مخالفی نیست) .
 (مجلس قریب بغروب آفتاب ختم شد)

جلسه ۲۲۸

صورت مشروح روز پنجشنبه

۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و ده دقیقه قبل از غروب آفتاب بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل شد .
 رورت روز سه شنبه را آقای معاضد الملك قرائت نمود .